

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: پورتال

## طبع جوان

در هر زبان فتاده کنون داستان من  
جمعی گشتند در محسوس آزمايشم  
پرسد کسی ز زادگه و اصل و نسل من  
بر آن گمان که رشته ز دستم گسسته است  
تیری رها شده ست ز شستم به حرف حق  
این اشتر سپید که خوابد به هر دری  
صد همچو من گرانی این بار میکشد  
غافل که از بهار ز کف رفته تا هنوز  
بر میخورم هنوز ز کیف بهار عمر  
ریزد به جام و ساغر من باده نشاط  
موی سپید نیست دلیل شکستگی  
سنگین و استوار، به پا ایستاده ام  
از بس شکر ز طرز کلام همی چکد  
این بیت را که شاعری زیبا سروده است

هر کس حکایتی بکند از زبان من  
جمعی کند به باده ناب امتحان من  
جمعی ز قامت و قد و نام و نشان من  
بر آن هوا که رفته ز چنگم عنان من  
مردم گمان برند به ضعف کمان من  
تنها نمانده سر به سر آستان من  
اما بلند گشته صدا و فغان من  
باشد "ذخیره های جنون" در نهان من  
رنگین تر از بهار درخشد خزان من  
این مهربان زمین من و آسمان من  
روشن بود "ز مستی طبع جوان" من  
این چرخ نابکار ندارد توان من  
گیرند بوسه سیمبران از دهان من  
گویا حقیقتی ست "اسیر" از زبان من

«در پیری از هزار جوان زنده دل ترم»

«صد نوبهار رشک برد بر خزان من»

(فرنکفورت - جنوری ۲۰۰۳ ع)